

جنگ و منظر

گزارش میزگرد همایش جنگ و منظر شهری

گزارش: شبیم محمدزاده

در راستای هفتمین نشست از سلسله نشست‌های مطالعات عالی پدیدارشناسی منظرشهری با عنوان «جنگ و منظرشهری» میزگرد تخصصی در این باب با حضور دکتر آن‌ماری بوخر استاد و پژوهشگر ارشد دانشگاه زوربخ، دکتر سید امیر منصوری رئیس پژوهشکده هنر، معماری و شهرسازی نظر و آقای اسکندر یارنسب مدیر کل محترم امور تبلیغات فرهنگی بنیاد شهید و امور ایثارگران در تاریخ ۲۷ اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۵ در موزه هنرهای معاصر تهران برگزار شد.



یک از این دو منظر دارند. این واقعیت که جنگ یک مقوله فرهنگی است و فرهنگ نقش بسیار مهمی در ارزش‌گذاری بر این مناظر دارد، غیرقابل انکار است.

سؤال | نتایج حاصل از پروژه‌های مورد مطالعه در مقالات ارائه‌شده در نشست توسط دکتر حسین پروین و مهندس شهرزاد خادمی از نظر معماری و معماری منظر مطلوب نبوده که یکی از دلایل آن کارفرماست. مهم‌ترین دلیل را هم می‌توان نبود مبانی نظری و همچنین فاصله زیاد بین ادراک و خواسته‌های کارفرما با نظر متخصصان دانست. این عوامل منجر به بی‌کیفیتی در حوزه منظر و موزه آرایی شده‌اند. با توجه به اینکه زمان زیادی از جنگ سپری شده و لازم می‌نماید که نگاهی آکادمیک، مفهومی و تأثیرگذار به این مقوله داشته باشیم. آیا زمان آن نرسیده است که غیر از دیدگاه ساخت فضاهای کالبدی، به ساختار مبانی نظری در حوزه موزه و منظر جنگ پرداخته شود؟

آقای یارنسب: واقعیت تلخی که در کشور ما وجود دارد و تنها مختص حوزه ایثار و شهادت یا دفاع مقدس هم نبوده این است که کشوری که روزی خاستگاه اصلی تمدن، فرهنگ، هنر و معماری بوده در قرن اخیر از آن شاهکارهای هنری در حوزه محیط کمتر می‌توان مصادیقی را نام برد. نکته دوم اینکه جنگ و انقلاب ما در کشوری اتفاق افتاده که شاهکارهای ادبی، هنری و معماری زیادی در طول تاریخ داشته و وجه تمایز انقلاب ما با انقلاب‌های دیگر دنیا نیز در همین بحث فرهنگی آن است و گرنه از لحاظ عدوات، عده نظامی، تسهیلات و تکنولوژی نه در شکل‌گیری انقلاب و نه در دفاع مقدس نسبت به دیگران برتری نداشته‌ایم. نکته آخر در خصوص بحث فرهنگی این است که خود بنیان‌گذار انقلاب نه از حوزه نظامی بوده و نه اقتصادی بلکه یک شخصیت فرهنگی مذهبی بوده است. در ضمن تمام مردم ما از سنین، ادیان، مذاهب و صنوف مختلف در شکل‌گیری انقلاب نقش داشتند و امروز بهترین شاهد این مدعا گلزار شهادت است. حال با توجه به این مقدمه، جنگ

نخست دکتر منصوری با اشاره به مقالات ارائه‌شده و اهمیت موضوع خاطر نشان کردند: «ظرفیت و نقش جنگ و منظر شهری در فرهنگ، جامعه و شهر ما آن‌چنان زیاد است که با توجه به سابقه بالای آن در تولید همبستگی اجتماعی می‌تواند به‌عنوان فصل مشترک فرهنگ شهروندان، مسئولین و جناح‌های سیاسی قرار گیرد. علیرغم وجود این ظرفیت برای ایجاد وحدت ملی، هنرمندان غالباً به سمت مقوله‌های هویتی و تاریخی رفته و از این رویکرد جذاب غافل مانده‌اند. درحالی‌که می‌توان از ظرفیت‌هایی که این حماسه‌ها ایجاد کرده‌اند در جهت منافع ملی و وحدت اجتماعی بهره برد. درواقع وظیفه ما این است که در دانشگاه، کارهای پژوهشی و حرفه‌ای به این مقوله بیشتر بپردازیم. در کشور ما غالباً محافل رسمی در رابطه با جنگ بحث و اظهار نظر کرده‌اند و این موضوع بیشتر به یک جریان رسمی نزدیک شده، درحالی‌که یک مقوله ملی است که تمام ملت در آن سهیم بوده‌اند و در اداره آن مشارکت داشتند، لذا در ادامه راه نیز این ظرفیت وجود دارد که همه ملت در آن مشارکت کنند.»

در ادامه حاضران می‌زگرد به سؤالات پاسخ دادند:

سؤال | تفاوت نگاه یک انسان غربی به جنگ با یک ایرانی از نظر خانم بوخر چیست؟ جنگ برای یک غیرنظامی در غرب، خسران و منظر ترس و وحشت به حساب می‌آید اما نقاشی‌های دکتر ایرج اسکندری و تصاویر آرامستان‌های شهدا و اسامی کوچه‌ها و خیابان‌ها مناظر دیگری را برای ما به نمایش می‌گذارند. درواقع این موضوعی نیست که در تاریخ گذشته آن را جستجو کنیم بلکه اکنون نیز در زندگی ما جریان دارد. این تفاوت نگاه از نظر ایشان چگونه ارزیابی می‌شود؟

دکتر بوخر: مفهوم شهید برای غربی‌ها کاملاً شناخته‌شده نیست. طبق گفته آقای «کورت لوینگ» «ادراک منظر جنگ مقوله کاملاً متفاوتی است و با مناظر عادی و همچنین منظر صلح متفاوت است». غربی‌ها نگرش مختلف و ادراک متفاوتی برای هر

برخی قابل قبول و شماری ضعیف بوده‌اند. استفاده از مفهوم صلح به‌عنوان یک مفهوم جایگزین برای جنگ در منظر شهری با یک نگاه انسان دوستانه و جهانی به چه میزان کاراست؟

دکتر بوخر: توصیف وضعیت خاص کشور ایران برای من دشوار است. با نگاهی عمیق‌تر به این موضوع، با توجه به نزدیک بودن جنگ و صلح به یکدیگر، قطعاً نمادها یا مناظر ایجادشده برای این دو نیز می‌توانند نزدیک به هم باشند اما نکته قابل توجه این است که از این نمادها و مناظر جنگ باید در جهت ممانعت از جنگ و ایجاد صلح استفاده کرد. در اروپا این دو مقوله بسیار نزدیک به هم هستند و توانستیم ارتباط خوبی بین آن‌ها برقرار سازیم. در دیگر کشورها همچون ایران با توجه به اینکه جنگ آن‌ها یک مقوله فرهنگی بوده است ایجاد این ارتباط کاری بسیار دشوار است. در هر صورت هر کشوری باید ابتدا به تعریف درستی از جنگ رسیده و اهداف آن را مشخص نماید. ولی تعریف خود من از جنگ این است که جنگ مناقشه‌ای مسلحانه است که باید با خلق مناظر از وقوع آن جلوگیری کرد.

سؤال | ما در پژوهش‌های صورت گرفته متوجه شدیم که بنیاد شهید و بنیاد حفظ آثار وارد مقوله ساخت مجسمه‌هایی از شهدا و سردیس‌ها نشدند. دلیل این امر و نوع سیاست اتخاذشده برای آن چیست؟

آقای یارنسب: این مسئله در حوزه بنیاد شهید صادق نیست. ما هم در حوزه مجسمه و هم تندیس حداقل هفت جشنواره ملی تجسمی برگزار کردیم که بخشی از آن مربوط به مجسمه و تندیس بود. کارهای مشترکی نیز با شهرداری در این حوزه انجام گرفته که می‌توان به تندیس ۴۰ تن از شهدای سردار در پارک ولایت و مجسمه آیه الله طالقانی در میدان طالقانی و یا آثاری از شهدای شاخص کرمان در پارک‌ها و میدان‌های شهری کرمان را نام برد.

سؤال | بنیاد شهید برای نگهداری از آثار نقاشی دیواری در حوزه انقلاب و جنگ در شهرها چه اقداماتی کرده و چرا نقاشی‌هایی باکیفیت پایین

ما یک جنگ تحمیل‌شده و در نتیجه دفاع مقدس بوده است. در حوزه تأثیر جنگ بر منظر در دهه ۶۰ یکی از اقداماتی که در کشور صورت گرفت این بود که بلافاصله بعد از شروع جنگ در تاریخ ۳۱ شهریور، شورای عالی دفاع و ستاد تبلیغات جنگ در ۲۶ مهر به فرمان امام تشکیل شد که می‌توان گفت علی‌رغم وجود شرایط بحرانی یکی از موفق‌ترین بخش‌های حوزه جنگ بود و یکی از مهم‌ترین اقدامات آن‌ها طراحی نمادها، شعارها، اشعار سروده شده برای حماسه‌ها و حتی نام‌گذاری عملیات و مقرهای نظامی بود. در کل در دهه ۶۰ در حوزه تبلیغات جنگ اقدامات خوبی صورت گرفت اما مقتضیات زمان به گونه‌ای نبود که بتوان کارهای ماندگاری خلق کرد؛ اما دهه ۷۰ با ورود آزادگان به کشور به نقطه عطفی تبدیل شد و سازمان‌هایی همچون بنیاد شهید و بنیاد حفظ آثار تشکیل شدند اما کمتر به مبانی و مباحث علمی پژوهشی پرداخته شد و در نهایت در سال ۷۵ معاونت پژوهشی در حوزه ترویج فرهنگ ایثار و شهادت شکل گرفت.

ایشان در ادامه سخنان خود اظهار داشتند که پروژه باغ‌موزه دفاع مقدس تهران مربوط به شهرداری و باغ‌موزه دفاع مقدس خرمشهر مربوط به بنیاد حفظ آثار بوده و بیشتر جنبه مردمی داشته و در مجموعه بنیاد ایثار و شهادت قرار نمی‌گرفت. بنیاد شهید همچون دیگر سازمان‌های تازه تأسیس شده به لحاظ ساختاری و سازمانی نواقص و مشکلات خاص خود را داشته اما به مرور زمان با ایجاد همکاری با مراکز علمی و فنی و افراد متخصص در زمینه‌های هنرهای تجسمی، معماری و منظر وضعیت بهبود یافت. ایجاد پیوند میان حوزه‌های مختلف علاوه بر جهت‌دهی به بنیاد شهید باعث منعکس شدن آثار و نتایج بحث‌های فنی تخصصی و مبانی نظری مربوطه در آثار گردید. ایرادها و نقدهایی که اکنون به باغ‌موزه دفاع مقدس تهران وارد است در زمان ساخت آن نیز توسط تیم تخصصی مطرح شد اما مسئولین توجهی نکرده و ساخت پروژه را ادامه دادند.

سؤال | جنگ در دنیا نمادهای متفاوتی داشته که

مناظری که از ارزش بالای تاریخی برخوردارند مجدداً مورد ارزیابی قرار گرفته و سعی می‌کنیم در نگهداری و بازتعریف آن‌ها اقدامات ویژه‌ای انجام دهیم.

سؤال | با توجه به مقالات ارائه‌شده در همایش، دو نوع رویکرد بر ساخت مناظر و یادمان‌های مربوط به جنگ حاکم است رویکرد رئال و فرمال و رویکرد انتزاعی و ذهنی. از طرف دیگر ما با تفاوت ماهوی و محتوایی جنگ در ایران و دیگر کشورها مواجهیم؛ چون جنگ ما از نوع دفاع مقدس بود و یک سری مفاهیم و معانی برای آن قائل هستیم که در جنگ سایر کشورها وجود ندارد. با توجه به این تفاوت محتوایی در جنگ ما با دیگر کشورها آیا می‌توان نتیجه گرفت که در ایجاد مناظر و یادمان‌ها برای رسیدن به آن معانی و مفاهیم بهتر است رویکرد ما انتزاعی‌تر و ذهنی‌تر شود؟

دکتر منصوری: در مقالاتی که در نشست ارائه شدند سه نوع رویکرد مورد انتقاد قرار گرفت: رویکرد عامیانه و طراحی ابتدایی که در آثار موجود ایران بیشتر رایج بود، رویکرد اقتدارگرا و حاکمیتی مانند کارهای عظیمی که در عراق شاهد آن بودیم و رویکرد تخصص‌زده نه تخصص‌گرا و به‌بیان‌دیگر تکنوکرات و فن‌سالار همچون باغ‌موزه دفاع مقدس تهران. به نظر من در رویکرد مطلوب شرط لازم مشارکت مخاطب و شرط کافی اجرا توسط متخصص را در بردارد؛ و برای اینکه کار عامیانه یا غیر مردمی نشود بایستی این دو شرط هم‌زمان برقرار باشند. اقداماتی که در باغ‌موزه دفاع مقدس تهران انجام گرفته، باینکه برای مردم حاوی اطلاعات و خاطرات زیادی است اما اگر این خاطرات را هنری نکنیم ماندگار نمی‌شوند. این اقدام، یک کار تخصصی است که بایستی با مشارکت مخاطب صورت پذیرد. افرادی که جنگ را اداره می‌کردند باید در فرآیند این کار حضور داشته باشند. رویکرد فن‌سالارانه باغ‌موزه دفاع مقدس تهران و عدم شرکت دادن مردم به اقداماتی از قبیل مکان‌یابی نادرست و دور از دسترس مردم یا ساخت آب‌نمایی بانام هورالعظیم که هیچ ارتباط ذهنی با مخاطب برقرار نمی‌سازد منجر می‌شود که تمام این عوامل باعث عدم موفقیت

جایگزین نقاشی‌های بااهمیت در شهر تهران شده‌اند؟ به‌عنوان مثال در میدان هفت تیر نقاشی حاوی پرچم اسرائیل و امریکا که نماد سیاست خارجه ایران بود و غربی‌ها نیز شناخت خوبی از آن داشتند پاک‌شده و تصویر دیگری جایگزین آن شده و یا جایگزین عکس شهید فهمیده اثری شده که صرفاً ایرانی‌ها می‌توانند تشخیص دهند که آن تصویر، متعلق به شهید فهمیده است. نظر دکتر بوخر در این رابطه چیست آیا غربی‌ها نیز با آثار بارزش خود چنین برخوردی می‌کنند؟

آقای یارنسب: نقاشی‌هایی که خود بنیاد شهید در شهر جایگزین می‌کند از دو فیلتر کمیسیون نقاشی در بنیاد شهید و کمیسیون نقاشی در سازمان زیباسازی عبور می‌کنند؛ اما همه اقدامات در حوزه شهری در اختیار ما نبوده و توسط سازمان زیباسازی و یا شهرداری اداره می‌شوند. حتی بسیاری از اقداماتی که در حوزه نقاشی صورت گرفته هم از لحاظ فنی و هم از لحاظ فرهنگی و روایی مورد تأیید ما نیست. تمام طرح‌هایی که توسط بنیاد شهید در شهر اجرا می‌گردند قطعاً از لحاظ فنی و اجرایی توسط اساتید این حوزه مورد بررسی قرار گرفته و سپس اجرا می‌شوند. برخی از نقاشی‌های دیواری هم در حوزه دولت بوده و اقتضات سیاسی چاشنی این قضیه شده است. باین‌حال شایسته نیست که آثار فاخر هنری اساتید بزرگی همچون دکتر ایرج اسکندری و دکتر چلیپا را از بین برده و آثار دیگری را جایگزین آن‌ها کنیم حتی بازسازی این آثار هم باید توسط خود این افراد صورت پذیرد.

دکتر بوخر: در کشور ما نیز بسیاری از آثار هنری همچون تندیس‌ها و باغ‌ها به دلیل ملاحظات مختلف جایگزین می‌شوند. به‌عنوان مثال میدان کوچکی در زوریخ که متعلق به سال ۱۹۶۰ بوده به دلیل نیازهای فنی و مقیاس کوچک میدان، مستلزم این بود که از میان برداشته شود. برخی اوقات هم به دلیل عدم آشنایی مردم با ارزش‌های فرهنگی این آثار و فشارهای بازسازی موجود بر آن‌ها در خطر ساخت‌وساز قرار می‌گیرند. باوجوداین، آثار فرهنگی و

پروژه شده است.

منجر به کشف این تغییرات می‌گردد. به کمک این مفاهیم جدید فرهنگی، آثار هنری، مناظر و یادمان‌ها می‌توان از وقوع جنگ جلوگیری به عمل آورد.

سؤال | حجم تبلیغات بنیاد شهید در مورد اقداماتی که در حیطه منظر صورت گرفته کافی نبوده و یا حداقل در مسیر درستی نیست. فعالیت‌های کمیسیون تخصصی تماماً در تهران صورت می‌گیرد و در این مقوله توجه خاصی به شهرستان‌ها نمی‌شود. با این تفاسیر شما برای خارج از تهران چه برنامه‌ای در نظر گرفته‌اید؟

آقای یارنسب: این انتقاد بر تبلیغات ما وارد است. کانال‌های اطلاعاتی ما گاهی به درستی عمل نمی‌کنند و گاهی حجم اطلاعات ما محدود است که امید است به کمک این قبیل همایش‌ها و مجموعه متخصصین بتوان این نقص را جبران کرد. واقعیت تلخ دیگر این است که متأسفانه در برخی استان‌ها برخی مدیران به جای متخصصین اظهار نظر کرده و باعث عدم موفقیت پروژه‌ها می‌گردند. در حال حاضر بنیاد شهید داده‌های مفیدی در مرکز اسناد در اختیار دارد که جمع‌آوری این داده‌ها از خانواده‌ها و هم‌رزم‌های شهدا در نقاط مختلف کشور کار بسیار دشواری بوده که امید است با روش‌های علمی همچون برگزاری چنین همایش‌های علمی تخصصی بتوان از این گنجینه گران‌بها استفاده کرد و آن را به نسل‌های آینده انتقال داد.

سؤال | نظر به اینکه جنگ ما دارای یک‌لایه مذهبی بوده و آن را دفاع مقدس نیز نامیده‌ایم. در منظره سازی برای این جنگ، چگونه می‌توان نشانه‌های جنگ و نشانه‌های مذهب را هم‌زمان مدیریت کرد؟

دکتر بوخر: ما در ساخت یادمان‌ها با دو رویکرد مواجه هستیم. رویکرد اول که جنبه واقع‌گرایانه دارد و تلاش بر این است که اتفاقات میدان جنگ را با سبب سازی نمایش داده و مناظری را برای آن‌ها خلق کنیم. رویکرد دوم نیز قصد نشان دادن تجربه جنگ و مفاهیم و ادراکاتی را دارد که از دوران جنگ در ذهن داریم. به کمک این یادمان‌ها و مناظر جنگ، می‌توان

سؤال | در طراحی یک نمونه آرامستان و گلزار شهدا، پیش‌فرض برگزارکنندگان برای ساماندهی آنجا تعویض سنگ قبور، مجزا و خاص کردن بخش سرداران از سایر بخش‌ها بود که با مبانی نظری موضوع همخوان نبود. در این زمینه ضوابط کاملاً مشخصی از سوی بنیاد شهید مشخص نشده که بتوان به آن‌ها استناد کرد. آیا در حال حاضر برای چنین اقداماتی برنامه مشخصی وجود دارد؟

آقای یارنسب: در مقطعی خاص این بخش از گلزار شهدا زیرمجموعه بنیاد شهید بود و اصول و مبانی خاصی برای منظر و معماری گلزار شهدا تدوین شده بود. سپس بر اساس آن مبانی، شرح خدمات مشاورین تهیه و ابلاغ شد. بحث تفکیک سنگ قبور سرداران و مجزا کردن آن‌ها از سایرین جزء سیاست‌های بنیاد شهید نبوده و احتمالاً اعمال سلیقه خاصی صورت گرفته است. گلزار شهدا پروژه عظیمی بود و اعتقاد بر این بود که قبور شهدا با توجه به عمر و دوام مصالح به‌کاررفته تا حد امکان حفظ شوند.

سؤال | با توجه به تفاوت دیدگاه‌هایی که کشورهای مختلف به مقوله جنگ دارند اشتراکی که در تمام مباحث و مقالات ارائه شده وجود داشت رویکرد نمادین و نمایشی به این حوزه بود. حال اگر جنگ را یک مقوله فرهنگی در نظر بگیریم که نیاز به پایداری و تداوم برای نسل‌های آینده دارد آیا این نگاه می‌تواند یک نگاه پایدار باشد یا همچون مناظر دیگر باید تفسیر بهتری از جنگ داشته باشیم؟

دکتر بوخر: اگرچه جنگ یک مفهوم استاتیک است اما فرهنگ یک مقوله دینامیک بوده و برای انتقال آن به نسل‌های آینده قطعاً باید نگاه متفاوتی داشته باشیم. در قرون وسطی مناظر جنگ مناظر ابتدایی بودند و با مناظر جنگ‌های معاصر که توأمان با سلاح‌های پیشرفته نظامی است کاملاً متفاوت هستند. یک تغییر مداوم و تدریجی از نقطه نظر فرهنگی در نحوه نگرش به جنگ و درکی که از مفاهیم آن حاصل می‌شود وجود دارد. نگاه مفهومی به فرهنگ در طی یک فرآیند

مشخص نیست اگر زمانی خطر جنگ آن‌ها را تهدید کند چگونه تصور مطلق خود را زیر پا گذاشته و آن را نسبی می‌پندارند تا با این عقیده بتوانند آماده دفاع گردند. در واقع آن‌ها مفهوم دفاع را قربانی حرکت ضد جنگ نمودند در حالی که در جامعه ما مفهوم دفاع هم چنان زنده بوده و مفهوم مقدسی است. این دو تفسیر طبعاً باعث آفرینش دو فضا سازی، دو معماری و دو منظره سازی متفاوت می‌گردد. در عین حال ما باید یک مفهوم معارضی (پارادوکسیکال) را شرح دهیم و آن‌ها یک مفهوم مطلق را. می‌توان این نکات را به‌عنوان یافته‌های نو مورد توجه قرار داد.

خاطرات جنگ و اعتقادات مذهبی را به‌صورت توأمان نشان داد.

در نهایت دکتر منصورى بابیان دو نکته به جمع‌بندی مباحث پرداختند :

مفهوم جنگ در دنیای غرب با مفهوم آن برای مسلمانان کاملاً متفاوت است. جنگ برای دنیای غرب ذاتاً امری ناشایسته است که بایستی از آن گریخت اما جنگ برای فرد مسلمان یک واقعیت است که باید از آن دوری کرد اما در عین حال بایستی آماده پذیرش آن نیز بود. اندیشه جهانی با تبلیغات مطلق راجع به صلح، تصور جنگ را یک تصور منفی معرفی نمودند و